

سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس الگوی حکمرانی خوب شهری - مطالعه موردی: شهر یاسوج

کرامت اله زیاری / وحید نیک پی / علی حسینی ***

1390/11/19

تاریخ دریافت مقاله:

1391/07/16

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

محیط شهری پیچیده، پویا، متنوع و به‌عنوان یک منبع توسعه مطرح است که مستلزم ظرفیت بالای مدیریتی است و حکمرانی خوب شهری قابلیت فراهم کردن آن را دارد. الگوی حکمروایی خوب شهری به‌عنوان فرایند مشارکتی توسعه تعریف می‌شود که به موجب آن همه ذینفعان شامل حکومت، سازمان‌های غیر دولتی و جامعه مدنی وسایلی را برای حل مشکلات شهری فراهم می‌کنند. در این الگو مسئولیت اجرایی مستقیم مدیریت شهری کمتر شده و امکان بیشتری برای برنامه‌ریزی و کنترل از پایین به بالا توسط سازمان‌های غیر دولتی و نهادهای مردمی فراهم شده است. این مقاله با هدف سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری یاسوج بر اساس الگوی حکمرانی خوب شهری تدوین شده است و به بررسی معناداری رابطه بین معیارهای حکمرانی شهری (شفافیت و پاسخگویی، عدالت اجتماعی، آگاهی شهروندی، اعتماد اجتماعی و کارایی و اثر بخشی) به‌عنوان متغیرهای مستقل با متغیر وابسته مشارکت شهروندان در مدیریت شهری پرداخته است. نوع تحقیق کاربردی و روش مطالعه توصیفی - همبستگی می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات، پیمایشی از طریق پرسشنامه بود و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفت. حجم نمونه تحقیق با استفاده از فرمول کوکران 320 نفر محاسبه گردید. نتایج تحقیق نشان داد که از بعد ذهنی تمایل شهروندان به مشارکت در مدیریت شهری بالاست و بستر بسیار مناسبی برای مشارکت در شهر مورد مطالعه وجود دارد. اما در بعد عینی مشارکت شهروندان از سطح حداقلی پیروی می‌کند. بر اساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون، بین معیارهای حکمرانی با متغیر وابسته، مشارکت شهروندان در مدیریت شهری با اطمینان 99% ارتباط معنی داری وجود دارد. همچنین نتایج آزمون مشخص کرد که بین معیارهای حکمرانی ارتباط متقابل و تنگاتنگی وجود دارد.

واژگان کلیدی: مشارکت شهروندی، مدیریت شهری، حکمرانی خوب شهری.

* استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران .

** کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران . sarab2664@gmail.com

*** دانشجوی دکتری تخصصی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران.

مقدمه

افزایش سریع جمعیت توأم با گسترش شهرنشینی و رشد و توسعه روزافزون شهرها به ویژه از دهه 1950 میلادی مشکلات فراوانی در کشورهای مختلف به ویژه کشورهای جهان سوم ایجاد کرده که این خود موجب گشته سیستم مدیریتی شهر با چالش‌ها و تنگناهایی مواجه گردد. در سیستم مدیریت شهری نوین برای رفع این مشکلات و چالش‌های در زندگی شهری، الگوهای متعددی ارائه شده است. یکی از این الگوها که مدل غالب در مدیریت شهری محسوب می‌شود، الگوی حکمروایی شهری است (برک پور و اسدی، 1388: 35-67). در این مدل مسئولیت اداره عمومی شهر میان سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی تقسیم شده است که هر سه مورد از لوازم توسعه انسانی به شمار می‌روند (ایمانی جاجرمی و دیگران، 1381: 9).

محیط شهری پیچیده، پویا و متنوع، مستلزم ظرفیت بالای مدیریت است که حکمرانی خوب شهری قابلیت فراهم کردن آن را دارد. نظریه حکمروایی مطلوب با شاخصه‌هایی مانند مشارکت جویی، پایداری یا تداوم‌پذیری، حق و اختیار تصمیم‌گیری، عدالت، کارایی و اثر بخشی، شفافیت و پاسخگویی، شهروندمداری و التزام مدنی و امنیت می‌تواند در زمینه نهادینه‌سازی مفهوم مشارکت و ارتقای ارزش‌های مردم سالاری مفید واقع شود (بیدی، 1388: 12؛ UN-Habitat, 2009). الگوی حکمروایی خوب شهری به‌عنوان فرایند مشارکتی توسعه تعریف می‌شود که به موجب آن همه ذینفعان شامل حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی وسایلی را برای حل مشکلات شهری فراهم می‌کنند. در این الگو مسئولیت اجرایی مستقیم مدیریت شهری کمتر شده و امکان بیشتری برای برنامه‌ریزی و کنترل از پایین به بالا توسط نهادهای خصوصی و مردمی فراهم می‌شود. در

اینجا مدیریت شهری از بالا به پایین نیست و مشارکت شهروندان در اداره امور شهر جزو جدایی ناپذیر آن است (McCarney et al, 1995: 8).

در واقع حضور مردم برای حل مشکلات خود مردم امری لازم است. در صورتی که مردم نخواهند یا نتوانند برای کمک به اداره امور شهر یا محله خود گام بردارند احتمال این که مدیریت شهر نتواند مسائل حادی که شهر با آن‌ها روبه‌روست را حل کند، بسیار است. از طرف دیگر اگر برنامه‌ریزان و مدیران امور شهری خواستار اجرا و تحقق برنامه‌های خود هستند باید آن‌ها را با محیط اجتماعی هماهنگ سازند و چنین امری تنها با مشارکت مردم به دلیل شناخت ژرف آن‌ها از نیازها، خواسته‌ها و محیط اجتماعی خود امکان پذیر است (علوی تبار، 1378: 12).

یکی از جنبه‌های مهم نظریه حکمروایی خوب شهری، همان بعد مشارکت است چرا که اصل و بنیان نظریه مذکور بر حکومت مردمی استوار است. یعنی حکومتی که مردم اداره امور را بر عهده خواهند داشت (Dekker & Kempen, 2004: 43). بنابراین حضور و مشارکت مردم در اداره امور از اصول بدیهی و اولیه تحقق این نظریه و گام اول رسیدن به حکمروایی خوب شهری می‌باشد. در این صورت مشارکت نه تنها یکی از ویژگی‌های حکمروایی خوب شهری بلکه گام اول جهت تحقق آن محسوب می‌گردد.

در این پژوهش شهر یاسوج به‌عنوان نمونه موردی انتخاب شده است. این شهر در سال‌های اخیر شاهد توسعه گسترده و تحولات سریع جمعیتی بوده است، که به دنبال خود رشد مهاجرت، افزایش ساخت و ساز، افزایش محدوده‌های شهری و شکل‌گیری خرده فرهنگ‌های اجتماعی متعددی را به دنبال داشته است به‌طوری که روند تحولات جمعیتی نشان می‌دهد این

در جریان این توسعه پرشتاب و بی‌برنامه، شهر دچار معضلات مختلفی شده است که سیستم مدیریتی شهر به تنهایی قادر به حل این مشکلات نیست. مجموعه مباحث مذکور موید اهمیت مشارکت و همکاری نهادهای مدنی و خصوصاً شهروندان با نهادهای اجرایی شهر (به خصوص شهرداری) می‌باشد. در این پژوهش در راستای تحقق حکمروایی خوب شهری و همچنین به دلیل گستردگی مفهوم حکمروایی شهری، بر روی یکی از شاخصه‌های آن یعنی بعد مشارکت متمرکز می‌شویم تا میزان آن در مدیریت شهری یاسوج بررسی شود.

نوشتار حاضر، به بررسی اهدافی چون میزان مشارکت شهروندان (هم از بعد ذهنی و هم از بعد عینی) در مدیریت شهری شهر یاسوج و معناداری رابطه بین معیارهای حکمرانی خوب شهری (از جمله شفافیت و پاسخگویی، عدالت اجتماعی، کارایی و اثربخشی، حقوق شهروندی و همچنین اعتماد اجتماعی) با مشارکت شهروندان در مدیریت شهری یاسوج می‌پردازد.

چارچوب نظری تحقیق

مشارکت شهروندان در مدیریت شهری

رشد فزاینده شهرنشینی و گسترش روند شهرگرایی و پیچیده‌تر شدن نظام جامعه شهری از جمله عواملی هستند که ضرورت مشارکت شهروندان در مدیریت شهری را بیش از پیش کرده‌اند (UNDP, 1999: 428). در پارادایم مدیریت شهری، نقش‌ها و کارکردهای شهری جدیدتری برای دخالت دادن نظام مدیریت شهری (شهرداریها و شوراهای شهر) و شهروندان در برنامه‌ریزی در نظر گرفته شده است. رکن اصلی اجرای طرح توسعه شهری نیز مشارکت همه جانبه افراد و گروه‌های شهری است. در مفاهیم برنامه‌ریزی، اصطلاح «توسعه از پایین

شهر در سال 1345 با 931 نفر جمعیت از جمله مکان‌هایی بوده است که با توجه به جمعیت پایین، نام شهر به خود گرفت و جزو نقاط شهری به‌شمار آمده است. جمعیت این شهر با نرخ رشدی معادل 17.1 درصد در سال 1355 به 2524 نفر و در سال 1365 با نرخ رشد سالانه 20.8 درصدی به 29991 نفر رسیده است و پس از آن جمعیت این شهر با نرخ رشدی معادل 7.2 درصد در سال 1375 و 3.7 درصدی در سال 1385 به ترتیب 69133 و 100544 نفر را به خود اختصاص داده است. به علت انتخاب این شهر به‌عنوان مرکز سیاسی و اداری و خدماتی منطقه، جمعیت شهر در طی 25 سال گذشته به شدت افزایش یافته است یعنی جمعیت شهر در این مدت حدود 52.50 برابر شده است که چنین افزایش حجم جمعیتی در میان کلیه شهرهای ایران کم نظیر بوده است (مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال‌های 1385-1345).

این میزان افزایش جمعیت مربوط به مهاجرین وارد شده به شهر یاسوج به خصوص طی سال‌های 1365 تا 1375 می‌باشد که در این دوره در مجموع 23739 نفر به شهر یاسوج مهاجرت کرده‌اند. بافت اجتماعی این شهر نشان می‌دهد که عمده این افراد مهاجر را پبله‌ورانی که قبل از اصلاحات ارضی به میان عشایر کوچنده این زیست و بوم آمدند به خصوص کسبه سپیدان فارس تشکیل می‌دادند و با وجود سه دهه سکونت در این شهر تاکنون بین آن‌ها و افراد بومی این شهر اختلاط و همبستگی خاصی به وجود نیامده است. بنابراین با کمی توجه به ترکیب جمعیتی اسکان یافته در شهر و وضع فعالیت کنونی و سوابق پایگاه اجتماعی آن‌ها می‌توان گفت که امروزه اقشار و طبقات مختلفی در شهر یاسوج اسکان یافته است (طرح مطالعات زیست بوم بویراحمد علیا، ساختار اجتماعی، 1383: 21-43).

به بالا» ناظر بر نقش مشارکت مردم است. مشارکت شهری را می‌توان به معنای شرکت و حضور جدی و فعال گروه‌های شهری در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی دانست. از دهه 1990 میلادی، توجه فزاینده‌ای به رویکرد مشارکتی صورت گرفته است؛ به طوری که این پارادایم در حال حاضر، به‌عنوان یکی از معیارهای ارزیابی عملکرد مدیریت شهری محسوب می‌شود (نجاتی، 1379: 5).

نظام مدیریت شهری مانند دیگر نهادها در تبادل و تعامل با جامعه و شهروندان معنا پیدا می‌کند. دخالت مردم در امور شهری از اصیل‌ترین شیوه‌های رشد ملی به‌شمار می‌رود، تجربه سوئد و شوق انگیز محلی در اداره امور جمعی، رغبت مردم را برای پرداختن به کارهای بزرگ تر ملی تحریک می‌کند و آنان با تکیه بر نتایج سودمندی که از مشارکت محلی به‌دست می‌آورند، به مشارکت‌های بزرگ ملی کشور راغب می‌گردند (طوسی، 1380: 6). کارشناسان مسائل توسعه بر این باورند که در جریان تغییر و تحولات اجتماعی و اقتصادی، مردم به‌عنوان مرکز ثقل و ترکیب‌کننده منابع، امکانات و سرمایه به‌عنوان عامل اصلی پیش‌برنده محسوب می‌شوند (شوماخر، 1389: 132).

تجربه نشان داده است که مشارکت مردمی در اداره امور شهری باعث بهبود کارایی و تخصیص هزینه در زمینه اولویت‌های اجتماعی و پروژه‌های زیر بنایی می‌گردد. مشارکت مردمی که نوعی تمرکزگرایی در اداره امور می‌باشد؛ باعث افزایش توسعه انسانی و عامل برابری و تحقق عدالت اجتماعی - سیاسی می‌گردد (حکمت نیا و موسوی، 1381: 134). امروزه اهمیت و ضرورت مشارکت در انجام امور به‌منظور افزایش کیفیت، کاهش هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری، سهیم کردن شهروندان در پذیرش مسئولیت، فراهم سازی نیروی انسانی و مالی

برای شهرداریها، کاهش بار تصدی‌گری سطوح ملی نسبت به برنامه‌های محلی و افزایش شهروندان آگاه بر کسی پوشیده نیست. مشارکت مردم در روند تصمیم‌گیری شهری یکی از عناصر اصلی حکومت مردمی بوده و افزایش مشارکت مردم در امور شهری می‌تواند در ایجاد تعادل شهری نقش ارزنده‌ای را ایفا نماید. این موارد نشان می‌دهد که در جهان آشفته و زندگی پیچیده شهری، بدون همکاری و مساعدت‌های مردمی، نمی‌توان به توسعه شهری مطلوب و پایداری دست یافت. در واقع مشارکت شهروندان، موتور محرکه مدیریت شهری است. لذا ایجاب می‌کند که افراد جامعه در تمامی امور شهری، همکاری فعال و گسترده‌ای را دنبال کرده و با مشارکت فعال در جامعه، خواسته‌های مشروعشان را تحقق بخشند (ربانی و دیگران، 1386: 4؛ حبیبی و سعیدی رضوانی، 1384: 15).

نظریه پردازان مشارکت اجتماعات محلی معتقدند که مشارکت شهروندان در اداره امور خود هم "حقیقت" و هم "ارزش" است. نظریات امروزی تأکید می‌کنند که مشارکت شهروندان در اداره امور مربوط به خود، هم بارهای سنگینی از دوش دولت مرکزی بر می‌دارد و هم ضامن اجرای صحیح برنامه‌های ملی در سطوح منطقه‌ای و محلی گردیده و هم رضایت اجتماعات محلی را فراهم کرده است (شوریایی، 1386: 2). در همین رابطه بعضی از صاحب نظران مدیریت شهری معتقدند که بایستی بخشی از مدیریت و برنامه‌ریزی شهری به نهادهای مردمی واگذار شود و ضرورت این امر را در یک رویکرد اساسی این چنین مطرح می‌کنند: به واسطه مشارکت مردم در فرایند توسعه شهری، مدیران شهری بهتر می‌توانند مسائل و نارسایی‌های اجتماعی شهر را شناخته و در جهت حل آن و نهایتاً بهسازی و توسعه شهری اقدام نمایند (رزمجویی، 1382: 7).

می‌باشد. جداول شماره (1) و (2) ضرایب مذکور را به صورت جزوی‌تر نشان می‌دهند.

بعد از اجرای پیش‌آزمون و پایایی گویه‌ها، حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران² با سطح معناداری 95 درصد، 320 نفر محاسبه شده است که روش نمونه‌گیری آن خوشه‌ای چند مرحله‌ای است و 320 پرسشنامه حجم نمونه بین نواحی چهارگانه شهر یاسوج مانند روش نمونه‌گیری پیش‌آزمون توزیع گردید.

$$n = \frac{\frac{t^2 qp}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 qp}{d^2} - 1 \right)}$$

n: حجم نمونه

N: حجم جمعیت یا جامعه

p: درصد توزیع صفت در جامعه یعنی نسبت درصد افرادی که دارای صفت مورد مطالعه‌اند

q: درصد افرادی که فاقد آن صفت در جامعه‌اند

t: ضریب ثابت

d: تفاضل نسبت واقعی صفت در جامعه با میزان تخمین محقق برای وجود آن صفت در جامعه (حافظ نیا، 1389: 167).

$$n = \frac{\frac{(1.96)^2 (0.3)(0.7)}{(0.05)^2}}{1 + \frac{1}{100544} \left(\frac{(1.96)^2 (0.3)(0.7)}{(0.05)^2} - 1 \right)} = 320$$

در این رابطه $p=0/7$ $q=0/3$ $t=1/96$ (با احتمال 95 درصد) $d=5\%$ می‌باشد.

مواد و روش‌ها

سنجش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری

یاسوج

در این تحقیق جهت سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری یاسوج، مشارکت به دو بعد عینی و

نوع تحقیق حاضر کاربردی - توسعه‌ای و روش آن توصیفی - همبستگی بوده که با بهره‌گیری از ابزار پیمایش انجام شده است. محدوده جغرافیایی مورد مطالعه شهر یاسوج و جامعه آماری پژوهش جمعیت ساکن در نواحی چهارگانه شهر در سال 1385 - که تعداد آن‌ها 100544 نفر بوده است - می‌باشند. برای بررسی میزان مشارکت و سایر عوامل از طیف پنج‌گزینه‌ای مقیاس لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم) استفاده گردید و جهت تجزیه و تحلیل نهایی اطلاعات پرسشنامه از نرم افزار SPSS استفاده شد. در خصوص اعتبار و روایی وسیله اندازه‌گیری، می‌توان گفت که پرسشنامه مقدماتی، ابتدا به تعدادی از متخصصین مربوطه، ارجاع گردیده و در نهایت اعتبار صوری وسیله اندازه‌گیری با حذف و اصلاح گویه‌ها توسط اساتید و خبرگان دانشگاهی حاصل شد. برای بررسی پایایی گویه‌ها و شاخص‌های مربوطه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. به این صورت که تعداد 35 پرسشنامه که روایی آن‌ها تأیید و اصلاحات لازم بر روی آن‌ها صورت گرفته بود، با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای توزیع گردید. در این روش نمونه‌گیری به تناسب مناطق و تعداد ناحیه‌ها، محلات و بلوکها انتخاب و شهروندان نیز جهت پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه در هر بلوک به صورت تصادفی ساده برای اجرای پیش‌آزمون¹ انتخاب شدند. پس از تکمیل، پاسخ‌ها جمع بندی و ارزیابی شد و در نهایت از طریق نرم افزار SPSS ضریب آلفای کرونباخ برای آن‌ها محاسبه گردید که بر اساس آن میانگین ضریب مذکور برای تمام شاخص‌ها به میزان 81٪ محاسبه شد که ضریب فوق بیانگر اعتبار قابل قبولی برای پرسشنامه

ذهنی تقسیم بندی شده است. هر کدام از این ابعاد دارای شاخص‌هایی است که در مجموع از شش شاخص جهت سنجش مشارکت استفاده شده است. (1) مشارکت ذهنی: بعد ذهنی مشارکت که معمولاً به دو زیر مقیاس نگرش و تمایل تقسیم می‌شود.

در تحقیق حاضر برای سنجش مشارکت در بعد ذهنی از یازده گویه استفاده شده که از هفت گویه جهت سنجش نگرش مشارکت و چهار گویه جهت سنجش تمایل به مشارکت استفاده شده است. (ج 1) ابعاد، شاخص‌ها و گویه‌های ذکر شده را نشان می‌دهد.

ج 1. مدل تحلیلی تحقیق: ابعاد، شاخص‌ها و گویه‌های مشارکت شهروندی در مدیریت شهری.

مؤلفه	ابعاد	شاخص‌ها	گویه‌ها	ضریب پایایی هر شاخص	ضریب پایایی کل
ذهنی	تمایل به انجام فعالیت‌های مختلف در سطح شهر		<ul style="list-style-type: none"> ▪ فعالیت‌های عمرانی (ایجاد میدان، خیابان، مدرسه و ...) ▪ فعالیت‌های مربوط به محیط زیست (ایجاد فضای سبز، جنگل کاری و ...) ▪ فعالیت‌های مربوط به خدمات شهری (نظافت شهری، دفع زباله و ...) ▪ فعالیت‌های مربوط به رفاه شهری (ایجاد فرهنگ سرا، کتابخانه و ...) 	.85	
	نگرش به مشارکت		<ul style="list-style-type: none"> ▪ انسجام و همدلی با مسوولین ▪ عملکرد بهتر مدیریت شهری ▪ ایجاد روحیه همدلی و وفاق در جامعه ▪ استفاده بهینه از امکانات مادی و غیرمادی ▪ کاهش هزینه‌های مدیریت شهری ▪ کارآمدی و توانمندی مدیریت شهری 	.89	
مشارکت شهروندی	وضعیت پرداخت هزینه‌های اقتصادی و درآمدی شهر		<ul style="list-style-type: none"> ▪ پرداخت عوارض و بهای خدمات شهری ▪ کمک هزینه مستقیم به شهرداری ▪ تأمین مالی هزینه انجام طرح‌های شهرداری 	.72	.81
	وضعیت انتقاد و حضور از عملکرد مدیریت شهری		<ul style="list-style-type: none"> ▪ نظارت بر فعالیت‌های شهرداری ▪ انتقاد از اجرای قوانین شهری ▪ اطلاع‌رسانی مسائل و مشکلات شهر ▪ انتقاد از عملکرد مسئولین شهری 	.82	
	عضویت در انجمن‌ها و سازمان‌های سازمان‌های داوطلبانه		<ul style="list-style-type: none"> ▪ سازمان‌های غیر دولتی (NGO ها) ▪ سازمان‌های اجتماعی (سیسج، گروه‌های صنفی، گروه‌های هنری و ...) 	.83	
	وضعیت همکاری و شرکت در تهیه طرح‌های شهری		<ul style="list-style-type: none"> ▪ تأمین مالی هزینه انجام طرح‌های شهری (کمک مالی) ▪ تأمین نیروی انسانی (کمک فکری) ▪ تأمین ابزار و وسایل فیزیکی مورد نیاز (کمک ابزاری) 	.79	

ماخذ: برداشت میدانی نگارندگان، 1390

در این نوشتار همچنین جهت نشان دادن تأثیر متقابل معیارهای حکمرانی خوب (از جمله شفافیت و پاسخگویی، عدالت اجتماعی، کارایی و اثربخشی، حقوق شهروندی و همچنین اعتماد اجتماعی) با مشارکت کل شهروندان در مدیریت شهری، به بررسی معناداری رابطه بین این متغیرها پرداخته شد. (ج 2) مدل تحلیلی تحقیق برای شاخص‌ها و گویه‌های حکمرانی خوب شهری را نشان می‌دهند. با توجه به این جدول، پرسشنامه‌ای جهت آزمون و سنجش اهداف مطرح در تحقیق، طراحی گردید که در ادامه ضمن توضیح هر کدام از ابعاد و شاخص‌ها، به یافته‌های تحقیق پرداخته می‌شود.

2) مشارکت عینی: بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری بروز می‌کند. برای سنجش مشارکت در بعد عینی ما از چهار شاخص (پرداخت هزینه‌های اقتصادی و درآمدی شهر، وضعیت نظارت و انتقاد از عملکرد مدیریت شهری، عضویت در انجمن‌ها و سازمان‌های داوطلبانه، وضعیت همکاری و شرکت در تهیه طرح‌های شهری) استفاده کردیم. در نهایت از مجموع دو نوع مشارکت مذکور (مشارکت از بعد ذهنی و مشارکت از بعد عینی)، میزان مشارکت کل در مدیریت شهری یاسوج مورد سنجش قرار گرفت (ج 1).

ج 2. مدل تحلیلی تحقیق: شاخص‌ها و گویه‌های حکمرانی خوب شهری.

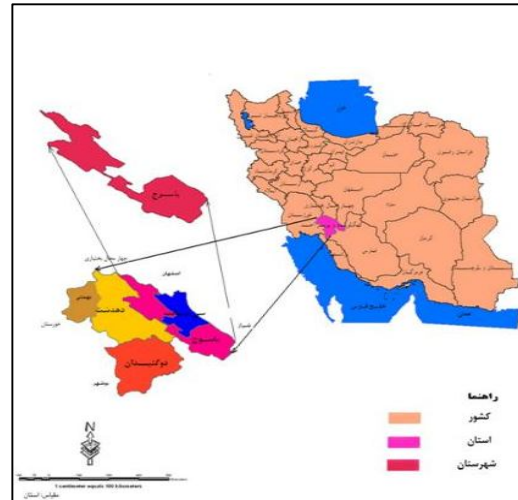
ضرب پایایی کل	ضرب پایایی هر شاخص	گویه‌ها	شاخص‌ها	
.81	.89	<ul style="list-style-type: none"> ▪ اطلاع‌رسانی به شهروندان در خصوص مسائل مختلف شهری ▪ نظرخواهی از شهروندان در خصوص برنامه‌ها و طرح‌های شهری ▪ وضوح رویه‌ها و مسئولیتها در امور مختلف شهری 	شفافیت و پاسخگویی	حکمرانی خوب شهری
	.81	<ul style="list-style-type: none"> ▪ خدمات شهری ▪ عملکرد شهرداری 	کارایی و اثر بخشی (رضایتمندی اجتماعی)	
	.76	<ul style="list-style-type: none"> ▪ توزیع خدمات در سطح شهر ▪ روند تهیه طرح‌های شهری 	عدالت اجتماعی	
	.85	<ul style="list-style-type: none"> ▪ حقوق ▪ وظایف 	آگاهی شهروندی	
	.78	<ul style="list-style-type: none"> ▪ انتقاد پذیری مسئولان ▪ صداقت مسئولان ▪ قابل اعتماد بودن مسئولان 	اعتماد اجتماعی	

ماخذ: برداشت میدانی نگارندگان، 1390

محدوده مورد مطالعه

در این تحقیق شهر یاسوج به عنوان نمونه موردی انتخاب شده است. این شهر از نظر تقسیمات سیاسی مرکز شهرستان بویراحمد و مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد می باشد که در عرض جغرافیایی 30 درجه و 39 دقیقه شمالی و طول جغرافیایی 51 درجه و 36 دقیقه شرقی و در ارتفاع 1780 متری از سطح آب های آزاد واقع شده است (مهندسین مشاور آمود، 1383: 18). این شهر در شمار شهرهای میانی کشور قرار دارد و جمعیتی معادل 100544 نفر (سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1385) در سطحی به وسعت 1822 هکتار با تراکم ناخاص 48 نفر در هکتار گسترده شده است. (ت 1) محدوده مورد مطالعه را در تقسیمات سیاسی کشور و استان نشان می دهد.

ت 1. موقعیت شهر یاسوج در تقسیمات کشوری.



یافته های تحقیق

بررسی ویژگی های دموگرافی

بر اساس مطالعات میدانی صورت گرفته 67/2 درصد از پاسخ دهندگان را مردان و 32/8 درصد از آن ها را زنان

تشکیل می دهد. 44/1 درصد افراد پاسخگو مجرد و 55/9 درصد متأهل بودند. همچنین بر اساس گروه سنی، بیشترین تعداد پاسخ دهندگان از گروه سنی 25 تا 34 ساله بودند و کمترین تعداد آن ها، گروه سنی بالای 55 ساله بوده که 1/9 درصد معادل 6 نفر را شامل می شوند. از نظر سطح تحصیلات 1/9 درصد معادل 6 نفر بی سواد که در کمترین گروه جای دارد و بیشترین سطح سواد یعنی 37/2 درصد معادل 119 نفر در گروه دیپلم جای دارد. در مجموع می توان گفت که 50 درصد افراد پاسخ دهنده زیر دیپلم بوده اند که نشان دهنده پایین بودن سطح سواد در شهر مورد مطالعه می باشد. بر اساس طبقه بندی وضعیت فعالیت، بیشترین فراوانی به ترتیب در گروه های خدماتی با 28/8 درصد و دولتی 17/8 درصد قرار دارد که ماهیت اداری-دولتی و خدماتی شهر یاسوج را نشان می دهد.

بر اساس اطلاعات جمع آوری شده از 320 نفر مورد پرسش، 11/9 درصد معادل 38 نفر وضعیت درآمد را ذکر نکرده اند. بیشترین افراد پاسخ دهنده معادل 33/8 درصد وضعیت درآمدشان را کمتر از 200 هزار تومان ذکر کرده اند و کمترین آن ها مربوط به رده درآمدی 300-400 هزار تومان می باشد، که معادل با 9/4 درصد می باشد. این آمار تا حدودی نشان دهنده پایین بودن وضعیت درآمد در شهر مورد مطالعه است. (ج 3) یافته های مربوط به ویژگی های دموگرافی افراد پاسخ دهنده را نشان می دهد.

مشارکت شهروندان از بعد ذهنی

همان طور که (ج 1) نشان می دهد جهت سنجش میزان مشارکت شهروندان از بعد ذهنی ما از دو شاخص (نگرش شهروندان به مشارکت و تمایل شهروندان به مشارکت) استفاده شد. جهت سنجش این شاخص ها از یازده گویه استفاده گردید. این گویه ها در مقیاس لیکرت

ج 4. میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری از بعد ذهنی.

میزان مشارکت	بالا		متوسط		پایین	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
شاخص اول (تمایل به مشارکت)	140	43/8	132	41/3	48	15
شاخص دوم (نگرش به مشارکت)	247	77/2	28	8/8	45	14/1
مشارکت کل (بعد ذهنی) (میانگین شاخص اول و دوم)	194	60/5	80	25	46	14/5

ماخذ: برداشت میدانی نگارندگان، 1390

همان طور که (ج 4) نشان می‌دهد از 320 نفر مورد پرسش در پرسشنامه، 15 درصد افراد پاسخ دهنده تمایل به مشارکت در سطح پایین، 41/3 درصد تمایل به مشارکت در سطح متوسط و 43/8 درصد افراد تمایل به مشارکت در سطح بالا را دارند. در مجموع میزان تمایل شهروندان شهر یاسوج به مشارکت در فعالیت‌های مرتبط با مدیریت شهری (فعالیت های عمرانی، زیست محیطی و رفاهی - خدماتی شهر) بالا می‌باشد. همچنین اکثریت شهروندان، 247 نفر (77/2 درصد) نگرش بالایی نسبت به مشارکت دارند. تنها 14/1 درصد پاسخ دهندگان نسبت به مشارکت در مدیریت شهری نگرش پایینی دارند. در مجموع می‌توان گفت که از بعد ذهنی مشارکت شهروندان در مدیریت شهری یاسوج بالا می‌باشد به طوری که 60/5 از پاسخ دهندگان گزینه بالا را انتخاب

از خیلی کم تا خیلی زیاد امتیاز دهی شد که دامنه امتیاز از 1 تا 5 می‌باشد. کمترین امتیاز برای هر مورد، (1) جهت میزان مشارکت اجتماعی خیلی کم و امتیاز (5) جهت مشارکت اجتماعی خیلی زیاد می‌باشد. مجموع امتیازها، نمره تمایل و نگرش فرد نسبت به مشارکت تعیین می‌کند. در نهایت جهت سنجش میزان مشارکت شهروندان، طیف 5 گزینه‌ای لیکرت را به سه سطح؛ مشارکت در سطح بالا، مشارکت در سطح متوسط و در سطح پایین طبقه‌بندی گردید. (ج 4) میزان مشارکت شهروندان از بعد ذهنی را که ترکیبی از دو شاخص (تمایل به مشارکت و نگرش به مشارکت) است را نشان می‌دهد.

ج 3. اطلاعات دموگرافی متج از پرسشنامه.

ویژگی‌های دموگرافی		تعداد	درصد	درصد تجمعی
جنس	مرد	215	67.2	37.2
	زن	105	32.8	100
سن	15-24	92	28.8	28.8
	25-34	140	43.8	72.5
	35-44	56	17.5	90
	45-54	26	8.1	98.1
	+55	6	1.9	100
وضعیت تأهل	مجرد	141	44.1	44.1
	متاهل	179	55.9	100
وضعیت فعالیت	بیکار	41	12.8	12.9
	خانه‌دار	32	10.0	23
	دانشجو	73	22.8	45.9
	خدماتی	92	28.8	74.8
	دولتی	57	17.8	92.8
	کشاورز	4	1.3	94
	بازنشسته	19	5.9	100
	مجموع	318	99.4	-
عدم پاسخ		2	0.6	-
مجموع		320	100	-

ماخذ: برداشت میدانی نگارندگان، 1390

کرده‌اند و تنها 14/5 درصد پاسخ دهندگان مشارکت پایینی داشته‌اند.

در یک جمع‌بندی کلی جهت بررسی معناداری رابطه بین مشارکت شهروندان از بعد ذهنی با مشارکت شهروندان در مدیریت شهری یاسوج از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. با توجه به نتایج به دست آمده از این آزمون چنین استنباط می‌شود که بین نگرش شهروندان به مشارکت و میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری رابطه معناداری وجود دارد. زیرا p -value به دست آمده از این آزمون برابر 0/000 می‌باشد که از میزان سطح معناداری آزمون ($\alpha=0/01$) کمتر بوده، بنابراین فرض H_0 رد می‌شود و فرض H_1 مورد قبول واقع می‌شود. یعنی بین نگرش شهروندان به مشارکت با مشارکت آن‌ها در مدیریت شهری ارتباط مستقیمی وجود دارد. این ارتباط در حدود 49 درصد می‌باشد. یعنی ضریب همبستگی بین نگرش شهروندان به مشارکت و میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری برابر $r=0/49$ می‌باشد.

مشارکت شهروندان از بعد عینی

در این مرحله جهت سنجش میزان مشارکت از بعد عینی از چهار شاخص استفاده شد. این شاخص‌ها با توجه به اهداف و فعالیت‌های مدیریت شهری طراحی شدند. شاخص‌های مذکور به‌طور مفصل در (ج 1) مطرح گردیده است که در این جدول شاخص 3 وضعیت پرداخت هزینه‌های اقتصادی و درآمدی شهر، شاخص 4 وضعیت نظارت و انتقاد از عملکرد مدیریت شهری، شاخص 5 عضویت در نهادها و سازمان‌های اجتماعی و شاخص 6 وضعیت همکاری و شرکت در تهیه طرح‌های شهری است. در نهایت با توجه به تجزیه و تحلیل سؤالات مربوط به مشارکت عینی، جدول نهایی مشارکت عینی استخراج شده است (ج 5).

ج 5. میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری از بعد عینی.

میزان مشارکت از بعد عینی (میانگین شاخص‌ها)	شاخص 3	شاخص 4	شاخص 5	شاخص 6
بالا	20/3	18/62	28/35	4/94
متوسط	33/4	22/33	18/9	9/36
پایین	40/6	39/99	22/15	14/78
عدم مشارکت	5/6	19/06	30/5	70/44

یافته‌های منتج از (ج 5)، میزان مشارکت شهروندان از بعد عینی را پایین ارزیابی می‌کند. به طوری که اکثر شهروندان هیچ گونه مشارکتی نداشته‌اند و تنها 18/05 درصد آن‌ها مشارکت بالایی داشته‌اند.

پرداخت هزینه‌های اقتصادی و درآمدی شهر (شاخص سوم)

پرداخت به موقع عوارض شهرداری و همچنین کمک‌های داوطلبانه مردم به شهرداری می‌تواند در اجرای بهتر طرح‌های شهری و همچنین ارائه خدمات با کیفیت مطلوب مؤثر باشد. از آنجایی که مهم‌ترین منبع درآمدی پایدار شهرداری برای اداره بهینه شهر، مشارکت شهروندان در پرداخت هزینه‌های زندگی شهری است. این شاخص به منظور سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری به کار می‌رود. در این پژوهش جهت سنجش مشارکت شهروندان، از مقیاس لیکرت استفاده شده است. در این مقیاس پاسخ دهنده میزان مشارکت خود را در هر یک از عبارات در طیف طبقه بندی شده (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم و اصلاً) بیان کردند. پاسخ آزمودنی از نظر عددی (1 تا 6) ارزش

یکی از وظایف شهروندان است که در این جا سعی شده در قالب چندین سوال میزان مشارکت در این شاخص را مورد سنجش قرار دهیم. بنابراین از شهروندان خواسته شد تا میزان مشارکت خودشان را به هر یک از گویه‌های ذکر شده در قالب طیف لیکرت بیان کنند. در مجموع می‌توان گفت که میزان مشارکت شهروندان در رابطه با این شاخص پایین و خیلی ناچیز ارزیابی شده است. به طوری که تنها 18/62 درصد از پاسخ دهندگان مشارکت بالایی داشته‌اند و حدود 40 درصد افراد مشارکتی پایین، حدود 19 درصد نیز در این زمینه مشارکتی نداشته‌اند و ما بقی که حدود 22/33 درصد بودند مشارکتی در حد متوسط داشتند.

در مورد این شاخص نیز سه گویه مطرح و مورد سنجش قرار گرفت که در گویه میزان نظارت بر فعالیت‌های شهرداری میزان مشارکت در حدود 30 درصد بیان شد که نشان دهنده میزان پایین مشارکت در جامعه مورد مطالعه می‌باشد. این میزان مشارکت پایین برای دو گویه دیگر میزان انتقاد از اجرای قوانین شهری و میزان انتقاد از عملکرد مسئولین شهر نیز به همین صورت می‌باشد (ج 7).

گذاری و حاصل جمع عددی میزان مشارکت فرد در این مقیاس را بیان می‌کند. تعداد گویه‌های مطرح شده جهت سنجش مشارکت در این شاخص سه مورد می‌باشد. با توجه به یافته‌های تحقیق، اکثر پاسخ دهندگان (6/40 درصد) مشارکت پایینی داشته‌اند و تنها 3/20 درصد آن‌ها مشارکت بالایی داشته‌اند. همچنین 4/33 درصد مشارکت متوسط و 6/5 درصد نیز مشارکتی نداشته‌اند.

همان طور که ذکر شده سه گویه برای این شاخص در نظر گرفته شد که در زمینه پرداخت عوارض و بهای خدمات شهر، 7/7 درصد پاسخ دهندگان هیچ گونه مشارکتی نداشته‌اند. در کل می‌توان گفت که میزان مشارکت شهروندان در رابطه با این گویه متوسط به پایین بوده است. مشارکت پایین شهروندان برای گویه تأمین مالی هزینه انجام طرح های شهرداری نیز صدق می‌کند. در رابطه با گویه کمک هزینه مستقیم به شهرداری هیچ گونه مشارکتی از طرف پاسخ دهندگان صورت نگرفته است (ج 6).

نظارت و انتقاد از عملکرد مدیریت شهری (شاخص چهارم)

انتقاد و نظارت شهروندان بر عملکرد مدیریت شهری

ج 6. میزان مشارکت شهروندان در گویه‌های مرتبط با شاخص سوم.

گویه	خیلی زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		اصلا	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
پرداخت عوارض و بهای خدمات شهر	56	17/5	76	23/8	64	20	39	12/2	25	7/7
تأمین مالی هزینه انجام طرح های شهرداری	42	13/1	49	15/3	68	21/3	71	22/2	37	11/6
کمک هزینه مستقیم به شهرداری	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
مجموع	320	100	320	100	320	100	320	100	320	100

ج 7. میزان مشارکت شهروندان در گویه‌های مرتبط با شاخص چهارم.

اصلا		خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		گویه
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
85	26/6	68	21/4	68	21/1	74	23/1	12	3/8	9	2/9	میزان نظارت بر فعالیت های شهرداری
26	8/1	72	22/5	72	22/5	74	23/1	32	10	25	7/8	میزان انتقاد از اجرای قوانین شهری
72	22/5	45	14	62	19/4	67	20/8	60	18/8	40	12/6	میزان انتقاد از عملکرد مسئولان شهر
320	100	320	100	320	100	320	100	320	100	320	100	مجموع

گروه‌های ورزشی با 76/87 درصد و گروه‌های صنفی با 75/31 درصد به ترتیب اولویت‌های اول تا سوم مشارکت را کسب کرده‌اند. در (ج 8) گویه‌ها و میزان مشارکت شهروندان و نوع مشارکت آن نشان داده شده است.

ج 8. میزان مشارکت شهروندان در گویه‌های مرتبط با شاخص پنجم

نوع مشارکت	درصد	تعداد	گویه
همکاری	68/12	2171	انجمن اولیا و مربیان
عضویت و همکاری	75/31	241	گروه‌های صنفی
همکاری	51/56	165	انجمن‌ها و احزاب سیاسی
عضویت و همکاری	71/87	230	بسیج
عضویت و همکاری	64/68	207	گروه‌های هنری
عضویت و همکاری	76/87	246	گروه‌های ورزشی
عضویت و همکاری	77/18	247	انجمن‌ها و مؤسسات خیریه

عضویت در نهادها و سازمان‌های اجتماعی (شاخص پنج)

براساس مطالعات صورت گرفته به غیر از شاخص پنج، میزان مشارکت در بقیه شاخص‌ها پایین ارزیابی شده است. این شاخص میزان عضویت و همکاری تعداد افراد پاسخ دهنده در نهادها و گروه‌هایی از قبیل؛ انجمن‌ها و مؤسسات خیریه، گروه‌های ورزشی، گروه‌های هنری، بسیج، انجمن‌ها و احزاب سیاسی، گروه‌های صنفی و انجمن اولیا و مربیان را بیان می‌کند.

در مجموع از 320 نفر نمونه مورد پرسش، تعداد 98 نفر معادل 30/59 درصد پاسخ دهندگان هیچ گونه مشارکتی نداشته‌اند. از 222 نفر افراد شرکت کننده در نهادها و گروه‌های اجتماعی، 28/35 درصد مشارکت بالایی داشته‌اند که بیشترین افراد مشارکت کننده در همین طیف قرار دارد. در کل 18/9 درصد افراد مشارکت متوسط و 22/15 درصد نیز مشارکت کمی داشته‌اند.

همان طور که ذکر گردید برای این شاخص نیز گویه‌هایی در نظر گرفته شد که نتایج مطالعات حاکی از آن است که، انجمن‌ها و مؤسسات خیریه با 77/18 درصد،

برای این شاخص سه گویه مورد سنجش قرار گرفت که در دو گویه تأمین مالی هزینه انجام طرح‌های شهری، تأمین نیروی انسانی (کمک فکری) مشارکت بسیار پایین به طوری که شهروندان یاسوجی به ترتیب حدود 10 و 3 درصد برای این دو گویه مشارکت را ثبت نموده‌اند و در گویه تأمین ابزار و وسایل فیزیکی مورد نیاز (کمک ابزاری) مشارکتی صورت نگرفته است. که اکثر شهروندان مهم‌ترین دلیل عدم مشارکت خودشان را بی اطلاع بودن از این گونه طرح‌ها عنوان کرده‌اند (ج 9).

در یک جمع‌بندی کلی در مورد سنجش میزان مشارکت از بعد عینی، نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون - خروجی SPSS- نشان داد که بین مشارکت شهروندان از بعد عینی با مشارکت شهروندان در مدیریت شهری ارتباط قوی و معناداری وجود دارد. زیرا $p\text{-value}$ به دست آمده از این آزمون برابر 0/000 می‌باشد و این مقدار $p\text{-value}$ کوچک تر از سطح معناداری $a= 0/01$ است. بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته می‌شود و این رابطه در حدود 79 درصد می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که رابطه همبستگی ($R= 0/793$) در سطح بالایی قرار دارد.

ج 9. میزان مشارکت شهروندان در گویه‌های مرتبط با شاخص ششم.

وضعیت همکاری و شرکت در تهیه طرح‌های شهری (شاخص ششم)

مشارکت، کلید اصلی اجرای طرح‌های توسعه شهری در سطح هر کشوری می‌باشد. یکی از علل اساسی به بن بست رسیدن طرح‌های شهری، ریشه در بی توجهی به مشارکت و سهم قابل توجه مردم و نهادهای محلی در اجرا دارد (علوی تبار، 1379). مهم‌ترین عواملی که سطح و میزان مشارکت شهروندان را در روند تهیه طرح‌های شهری تعیین می‌کند عبارتست از مشارکت در تأمین مالی، مشارکت در تأمین نیروی انسانی، مشارکت در تأمین ابزار و وسایل فیزیکی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی تهیه طرح‌ها. شاخص ششم (وضعیت همکاری و شرکت در روند تهیه طرح‌های شهری) با مد نظر قرار دادن عوامل ذکر شده میزان مشارکت شهروندان را در روند تهیه طرح‌های شهری در شهر یاسوج را مورد سنجش قرار می‌دهد، که بیشترین فراوانی افراد با 225 نفر معادل 70/44 درصد هیچ گونه مشارکتی نداشته‌اند و تنها 4/94 درصد پاسخ دهندگان مشارکت بالایی در روند تهیه طرح‌ها داشتند. در مجموع مشارکت شهروندان در روند تهیه طرح‌ها بسیار ضعیف و حتی می‌توان گفت که هیچ گونه مشارکتی صورت نگرفته است.

میزان مشارکت		خیلی زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		عدم مشارکت	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
19	6	10	3/15	20	6/02	39	12/27	18	5/67	213	66/47
4	1/3	5	1/6	9	2/8	11	3/4	39	12/2	252	78/8
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-

بررسی معیارهای حکمرانی خوب شهری در شهر

ياسوج

در بین معیارهای مذکور مشارکت، اصل و بنیان نظریه حکمرانی محسوب می‌شود. در این نوشتار پنج شاخص (شفافیت و پاسخگویی، عدالت، کارایی و اثربخشی، شهروندمداری و اعتماد اجتماعی) مورد بررسی قرار گرفت. جهت سنجش معیارها تعداد 34 سؤال در قالب مقیاس لیکرت مطرح شد و از شهروندان خواسته شد نظرات خودشان را در قالب طیف پنج گزینه‌ای مربوط به هر معیار مطرح کنند.

آنگاه پاسخ آزمودنی از نظر عددی ارزش گذاری شد و مجموع امتیازها، میزان رعایت معیارهای مذکور در مدیریت شهری یاسوج را نشان می‌دهد (ج 2 گویه‌های مطرح جهت سنجش هر معیار را نشان می‌دهد). پس از آن که آمار توصیفی مربوط به هر معیار به دست آمد. (ج 10) جهت بررسی معناداری رابطه بین معیارهای مذکور با مشارکت شهروندان در مدیریت شهری از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته‌های جدول بالا که از دیدگاه 320 نفر شهروند به دست آمده، نشان می‌دهد که معیارهای حکمرانی خوب شهری در مدیریت شهری یاسوج از سطح حداقلی پیروی می‌کند. همچنین معیارهای ذکر شده در مدیریت شهری به خصوص شهردارای رعایت نشده است به طوری که اکثر شهروندان گزینه‌های خیلی کم و کم را انتخاب کردند. در بین معیارهای مذکور، معیار رضایتمندی از عملکرد مدیریت شهری نسبت به دیگر معیارها از وضعیت بهتری برخوردار است. بر عکس معیار آگاهی شهروندی از وضعیت نامناسبی پیروی می‌کند و اکثر شهروندان با حقوق و وظایف خود آشنا نیستند. با توجه به سؤال کلی که در مورد حقوق و وظایف شهروندان در قبال مدیریت شهری پرسیده شد، اکثر پاسخ دهندگان مهم‌ترین وظیفه خود را نظافت شهر و جمع‌آوری زباله ذکر کردند و با حقوق خود آشنایی کاملی نداشتند.

ذکر این نکته لازم است که آمار و ارقام جدول بالا از میانگین سؤالات مربوط به هر معیار به دست آمده است.

ج 10. معیارهای حکمرانی خوب شهری در مدیریت شهری یاسوج از دیدگاه شهروندان.

معیارها	گزینه		خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
میزان شفافیت و پاسخگویی عملکرد مدیریت شهری	19	6/06	35	10/93	60	18/62	74	23/07	132	41/3		
میزان رعایت اصول عدالت اجتماعی در روند تهیه طرح‌ها و توزیع خدمات	11	3/52	40	13/46	89	27/94	81	25/38	99	30/8		
میزان کارایی و اثربخشی (رضایتمندی از عملکرد مدیریتی شهری)	28	8/67	53	16/44	116	36/22	64	20	60	18/70		
میزان آگاهی شهروندی	12	3/8	34	10/6	105	32/8	78	24/4	91	28/4		
میزان اعتماد شهروندان به مدیران شهری	24	7/57	36	11/25	87	27/35	71	22/3	101	31/57		

خوب شهری به‌عنوان متغیرهای مستقل و میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری به‌عنوان متغیر وابسته رابطه معناداری وجود دارد. زیرا p -value به‌دست آمده از این آزمون برابر 0/000 می‌باشد و این مقدار p -value کوچک‌تر از سطح معناداری $a = 0/01$ است. بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته می‌شود.

در مرحله بعد جهت بررسی معناداری رابطه بین معیارهای حکمرانی خوب با متغیر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری با توجه به فاصله‌ای بودن متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است (ج 11). با توجه به خروجی SPSS و نتایج به‌دست آمده از آزمون همبستگی در می‌یابیم که بین معیارهای حکمرانی

ج 11. نتایج آزمون همبستگی معیارهای حکمرانی خوب شهری با مشارکت شهروندان در مدیریت شهری یاسوج.

		مشارکت شهروندی	شفافیت و پاسخگویی	کارآیی و اثر بخشی	عدالت اجتماعی	آگاهی شهروندی	اعتماد اجتماعی
مشارکت شهروندی	همبستگی پیرسون	1	.382**	.238**	.205**	.793**	.377**
	سطح معنی داری (دو طرفه)		0.000	0.000	0.000	0.000	0.000
	تعداد	318	318	318	318	318	318
شفافیت و پاسخگویی	همبستگی پیرسون	.382**	1	.372**	.563**	.631**	.422**
	سطح معنی داری (دو طرفه)	0.000		0.000	0.000	0.000	0.000
	تعداد	318	320	320	320	318	320
کارآیی و اثر بخشی	همبستگی پیرسون	.238**	.372**	1	.551**	.228**	.489**
	سطح معنی داری (دو طرفه)	0.000	0.000		0.000	0.000	0.000
	تعداد	318	320	320	320	318	320
عدالت اجتماعی	همبستگی پیرسون	.205**	.563**	.551**	1	.345**	.687**
	سطح معنی داری (دو طرفه)	0.000	0.000	0.000		0.000	0.000
	تعداد	318	320	320	320	318	320
آگاهی شهروندی	همبستگی پیرسون	.793**	.631**	.228**	.345**	1	.388**
	سطح معنی داری (دو طرفه)	0.000	0.000	0.000	0.000		0.000
	تعداد	318	318	318	318	318	318
اعتماد اجتماعی	همبستگی پیرسون	.377**	.422**	.489**	.687**	.388**	1
	سطح معنی داری (دو طرفه)	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	
	تعداد	318	320	320	320	318	320

**99% اطمینان با سطح معناداری 0/01

نتایج (ج 11) نشان می‌دهد که همبستگی مثبت و مستقیمی بین متغیرها وجود دارد به این صورت که با افزایش میزان متغیرهای مستقل (معیارهای حکمرانی خوب شهری)، میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری افزایش می‌یابد. در بین معیارهای مذکور، معیار آگاهی شهروندی، ارتباط قوی و معناداری با متغیر مشارکت شهروندی دارد به طوری که این ارتباط در حدود 80 درصد می‌باشد. اما همبستگی بقیه معیارها با متغیر مشارکت شهروندی پایین می‌باشد.

همان طور که در مباحث نظری مطرح است که بین معیارهای حکمرانی خوب شهری ارتباط متقابل و تنگاتنگی وجود دارد. نتایج (ج 11) این ارتباط را به صورت کمی نشان می‌دهد. با توجه به محاسبات صورت گرفته مشخص شد که ارتباط بین معیارهای حکمرانی خوب شهری در سطح متوسط و حتی متوسط به پایین می‌باشد؛ به‌عنوان مثال بین معیارهای کارآیی و اثر بخشی و عدالت اجتماعی همبستگی متوسطی وجود دارد میزان همبستگی بین این دو معیار 55 درصد می‌باشد.

نتیجه

یکی از جالب‌ترین و موفقیت‌آمیزترین الگوها در زمینه مدیریت شهری، الگوی حکمرانی خوب شهری است که در واقع یک سیستم مدیریت شهری به شکل مشارکتی می‌باشد، که سه نهاد جامعه مدنی، بخش خصوصی و دولت در تمامی تصمیم‌گیری‌های مربوطه مشارکت می‌کنند. این الگو با معیارهایی چون مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، قانونمندی، عدالت، کارآیی و اثربخشی و جهت‌گیری توافقی که بر بینش راهبردی و تمرکززدایی تأکید دارد به‌عنوان اثربخش‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت نظام پیچیده و چند سطحی امروزه شهرها، مطرح شده است. محوریت این

رویکرد در مدیریت شهری، بر مبنای توسعه‌ای مردم سالار و برابر خواهانه، برای تأثیر گذاری تمامی نیروهای دارای نفع و نفوذ در اداره امور شهرها و همچنین پاسخگویی به تمامی نیازهای این گروه‌ها می‌باشد.

با کمی دقت می‌توان دریافت که مفاهیم و شاخصه‌های حکمرانی خوب شهری یک هدف مشترک را دنبال می‌کنند و آن مقتدرسازی شهروندان است. مقتدرسازی فرایندی است که از طریق آن افراد به اندازه کافی قدرت می‌یابند تا در رویدادها و فعالیت مؤسساتی که بر زندگی آن‌ها اثر می‌گذارد، مشارکت کنند. بدون مشارکت فعال شهروندان، حکمرانی شهری در مفهوم واقعی آن تحقق نخواهد یافت و مدیریت شهری در چارچوبی محدود و ایستا و بدون مشارکت شهروندان، با اعمال قدرتی یک سویه و مسلط در تصمیم‌گیری نسبت به مسائل شهر و شهروندان باقی خواهند ماند. حضور و مشارکت مردم در اداره امور از اصول بدیهی و اولیه تحقق این نظریه و گام اول رسیدن به حکمروایی خوب شهری می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت مشارکت شهروندان موتور محرکه مدیریت شهری است که نقش عمده‌ای در حل بسیاری از مشکلات و مسائل شهری دارد. نتایج به دست آمده از این پژوهش در راستای اهداف تحقیق به شرح زیر جمع‌بندی می‌شوند:

براساس مطالعات صورت گرفته مشخص شد که تمایل به مشارکت از بعد ذهنی بسیار بالاست و نگرش بسیار مناسبی به مشارکت در شهر مورد مطالعه وجود دارد و بستر مشارکت در شهر یاسوج فراهم است.

بعد عینی مشارکت که از طریق مشارکت شهروندان در نهادها و گروه‌های اجتماعی، روند تهیه طرح‌ها، وضعیت پرداخت هزینه‌های اقتصادی شهر و وضعیت نظارت و انتقاد از عملکرد مدیریت شهری سنجیده شد، در سطح پایینی قرار دارد. در بین شاخص‌های مذکور، شاخص

گردهمایی‌ها و سمینارها و بهره گرفتن از دیدگاه‌های شهروندان در تنظیم آیین نامه‌ها.

5. شفاف‌سازی سیاست‌ها، قوانین و مقررات در زمینه طرح‌های عمرانی و توسعه.

6. با توجه به اظهار نظر اکثر پاسخ دهندگان مبنی بر نبود سامانه و شبکه‌ای در سطح شهر جهت انعکاس نظرات، ایده‌ها، انتقادات و شکایات شهروندان از عملکرد مدیریت شهری، گسترش شبکه‌های اطلاع رسانی و سامانه‌های ارتباطی نقش مهمی در افزایش مشارکت شهروندان دارد.

در پایان می‌توان متذکر شد که اگر معیارهای حکمرانی خوب شهری که در این نوشتار مطرح شد در سطح شهر پیاده شود و رعایت گردد، مشارکت شهروندان در اداره امور محلی خود افزایش می‌یابد هم چنان که اکثر پاسخ دهندگان مهم‌ترین دلایل عدم مشارکت خودشان را عدم رعایت معیارهای مذکور عنوان کرده‌اند.

پی‌نوشت

1. Pretest
2. Cochran

منابع

- بایزدی، ابراهیم و عباسی، نرگس. (1389)، تحلیل داده‌های پرسش‌نامه به کمک نرم افزار SPSS 18، تهران، نشر عابد.
- حافظ نیا، محمد رضا. (1389)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، انتشارات سمت.
- حبیبی، محسن و سعیدی رضوانی، هادی. (1384)، شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران، هنرهای زیبا، شماره 24، صفحه 15-24.
- حکمت نیا، حسن و میر نجف موسوی. (1381)، تحلیل تاریخی از مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره 80.

پنج یعنی عضویت در نهادها و گروه‌های اجتماعی در وضعیت بهتری قرار دارد.

راهکارها و پیشنهادها

با توجه به اهمیت چشمگیر مشارکت مردمی و نقش مهمی که حکمرانی خوب شهری در اداره امور شهر دارد و با نظر به نتایجی که از تجزیه و تحلیل این پژوهش به دست آمد راهکارهای زیر جهت ارتقای سطح این مشارکت پیشنهاد می‌گردد:

1. رعایت اصول عدالت اجتماعی در روند تهیه طرح‌ها و توزیع خدمات و فعالیت‌ها در سطح مناطق شهری. این امر می‌تواند از جهات متعددی بر رضایتمندی اجتماعی، احساس تعلق به منطقه مسکونی و در نهایت بر مشارکت شهروندان در امور شهری تأثیر مثبتی داشته باشد.
2. جلب اعتماد شهروندان از طرف شهرداری از طریق برخورد یکسان با همه مراجعین در اعمال ضوابط و مقررات و پرهیز از اعطای هر گونه امتیاز خاص به اشخاص خاص، به فعلیت رساندن نظرات شهروندان، رعایت اصول اخلاقی و پرهیز از هرگونه ضابطه بازی، آمادگی مدیران و مسئولان شهر برای پذیرش انتقاد.
3. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در این تحقیق، مشخص شد که اکثر پاسخ دهندگان با حقوق و وظایف خود آشنایی چندانی ندارند و اکثر آن‌ها، مهم‌ترین وظیفه خود را به‌عنوان یک شهروند، نظافت و پاکیزگی شهر عنوان کردند. بنابراین آموزش شهروندی و آشنا نمودن شهروندان با مفهوم شهروند، حقوق و وظایف و مسئولیت‌های آنان نقش مهمی در افزایش مشارکت شهروندان دارد.
4. پیوند بیشتر انجمن‌های شهری به‌ویژه شورای شهر با شهروندان از راه افزایش برگزاری نشست‌ها

- ربانی، رسول، محمد عباس زاده و وحید قاسمی. (1386)، بررسی تأثیر رفاه اقتصادی و اجتماعی بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد مطالعه شهر اصفهان)، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی، مشهد، زمستان.
- رزمجویی، بهروز. (1382)، راهبردهای مشارکت مردمی در طرحهای شهری، همایش مسائل شهرسازی ایران، شیراز.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کهگیلویه و بویر احمد، طرح مطالعات زیست بوم بویراحمد علیاء؛ ساختار اجتماعی 1383.
- شوریابی، حسین. (1386)، ارزیابی الگوهای مشارکت شهروندان تهرانی در طرح‌های توسعه شهری و ارائه الگوی بهینه، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس.
- شوماخر، ارنست فریدریک. (1389)، کوچک زیباست، ترجمه علی رامین، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سروش.
- طوسی، محمد علی. (1380)، مشارکت در مدیریت و مالکیت، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات سازمان مدیریت دولتی.
- عباس زاده، محمد. (1387)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهر موردی؛ اصفهان، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- علوی تبار، علیرضا. (1379)، بررسی الگوهای مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)، جلد اول، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- مرکز آمار ایران (1345)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی و نفوس مسکن، یاسوج.
- مرکز آمار ایران (1355)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی و نفوس مسکن، یاسوج.
- مرکز آمار ایران (1365)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی و نفوس مسکن، یاسوج.
- مرکز آمار ایران (1375)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی و نفوس مسکن، یاسوج.
- مرکز آمار ایران (1385)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی و نفوس مسکن، یاسوج.
- مهندسین مشاور آمود (1383)، طرح تفصیلی شهر یاسوج، جلد سوم، مسکن و شهرسازی استان کهگیلویه و بویراحمد.
- نجاتی، سید محمود (1379)، پارادایم جدید مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، سال اول.
- Dekker, K. & Kempen, R. (2004). *Urban governance within the big cities policy*, journal of cities, Vol 21. pp 41-55.
- McCarney, P.; Halfani, M. and Rodríguez, A. (1995). *Towards an Understanding of Governance, the emergency of an idea and its implications for urban research in developing countries*. University of Toronto.
- UNDP. (1999). *Human Development Report*, New York.
- UN-HABITAT (2009). *Urban governance index (UGI) a tool to measure progress in achieving good urban governance*. Available in www.unhabitat.org.